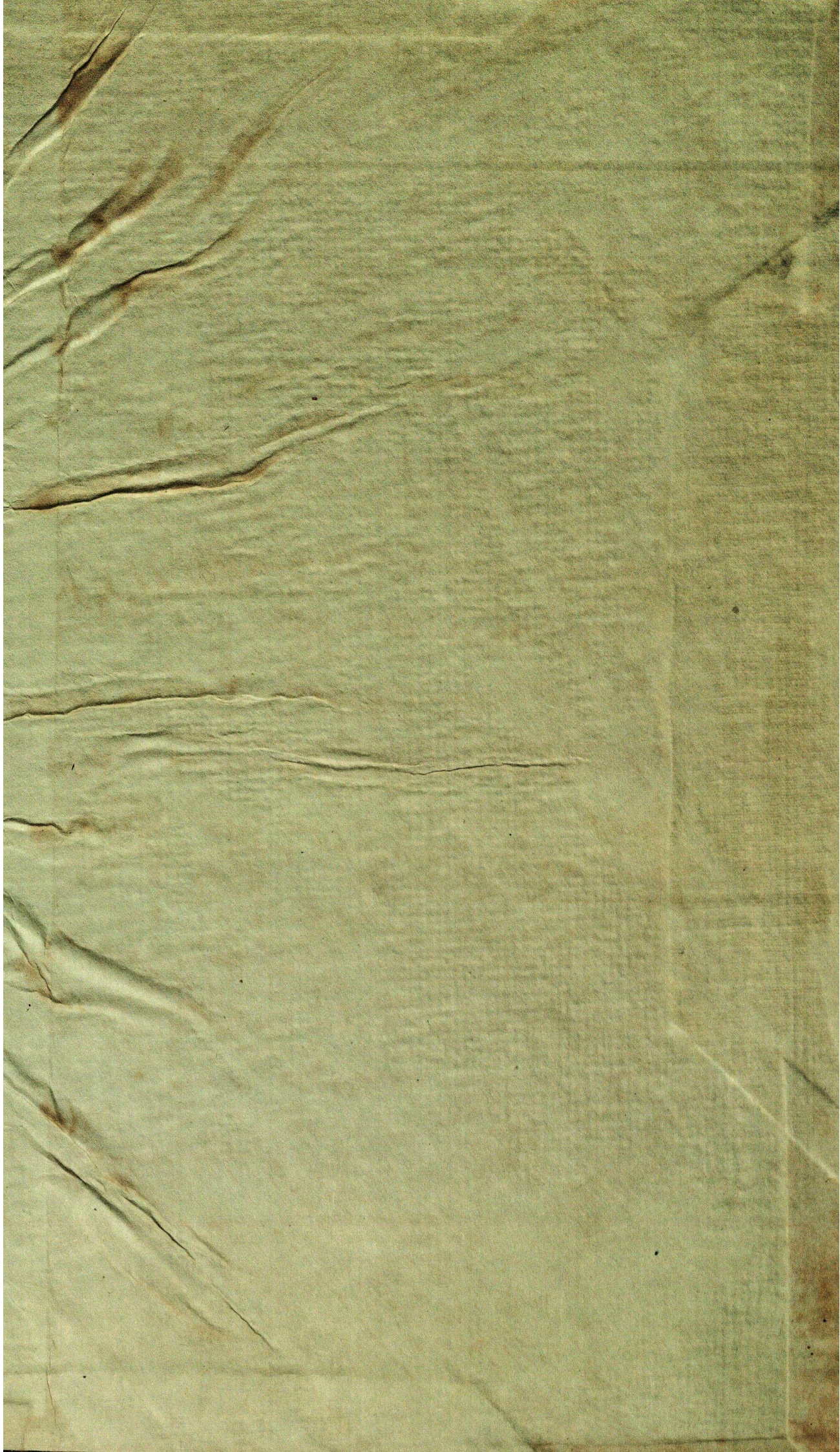




کتابخانه ملی افغانستان  
JAMIA HAMDARD  
MS. COLLECTION  
قسم المخطوطات  
مسجد گنجان

FUMIOATED



297.2041  
325



**سوال سئده بر و اجتناب سوال** چیر و اختیار بشر من کل الوجوه مجبور است یا من و جبر  
 واضح کرده می شود و معضلا باید دانست که جمیع مخلوق من و جبر و امری مختار نیستند و  
 تبارک و تعالی که اقام قدرت کار خود را از ادنی تا اعلی بر یکچک مخلوق بدین پنج  
 مفوض ندانسته که خود از آن طرف عاقل باشد **مثلا** این نباید دانست که امر  
 سوختن بآتش و امر بودگی پیرا و خنکی بآب مفوض مطلق است بلکه عادات  
 خود را بدین پنج جاری دانسته که هرگاه آتش بر بختی کند همچون وقت  
 قدرت خود بختی آن کشی کند و اگر او منوجه نشود آتش هیچ کار نکند و القاب  
 علی بن داود من بذ القبول باید دانست که هیچ قدرتی و اختیاری بقبولان خود مفوض نکرده  
 که آنها را در آن باب اختیار کلی باشد و نیز باید دانست که وقوع اکثر حرق عادات  
 اولیاء و معجزات از ذات انبیاء با اختیار آنها سر میزند یا اینکه اگر چه آنها صر  
 قدرت خود بهر جا بکنند اما در آن باب قدرت دارند و هرگاه قصد نمایند ضرر  
 وقوع آن فعل گردد و خواه دعائی آنها با ضرر هر وقت مقبول بارگاه حق تبارک و  
 تعالی شود بلکه وقوع این معنی با محض بتفصیلات او تعالی جهت اظها مقبولیت  
 مقبولان خود است که اکثر اوقات انبیاء و اولیاء که معجزات و حرق عادات از آنها  
 سر میزند با آنها اطلاع هم نمی شود و اگر بخواهد قدرت با اختیار آنها می بود مقبول  
 در عباد او تعالی ذات آن سرور کائنات است که جهت اسلام ابوطالب  
 و ابی جهل و ابی لباعام خود جدا و جدا فرمود و تا هشت سال دعایا کرد و تمنایا  
 داشت تا بزرگشان حنی که بعد فوت ابیطالب جهت مغفرت گناه او  
 استغفار کرد و بخیال اینکه شاید بطور حرق عادات و بر معجزات که او تعالی  
 بتفصیلات خود از دست من در دنیا بظهور میرساند شاید این معنی هم بخلاف  
 موعود خود که در مغفرت کفار است اجابت دعای فرماید اما چون منظور او  
 نبود این همه مفید نگشت بلکه غنا بهم حکم آمد آبا می خواهی تو آنچه نمی خواهی من ازین  
 جهت تصور باید کرد که در مقبولیت و برگزیدگی با و آنها نقصانی لازم آید بلکه او تعالی

۹۸۹۸

۶۶۶۶



تاریخ



جمیع کارهای مهم موقوف است بر قدرت و برخواستن موقوف داشته  
 و او تعالی در حق عباد و بکلام مجید فرموده خلقناکم واعمالکم یعنی پیدا کردیم شما را  
 و هر چه از شما سر میزند و نیز فرمود او تعالی در هرگاه میباید و بر کفار بود در عهد محمد  
 رسول الله صلی الله علیه و سلم و ما رمیت الا ذریت لکن الذین یرمی یعنی تیری انداز  
 تو هرگاه تیر اندازی میکنی لیکن خدا تیری اندازد و در نظر ظاهر وقوع آن از مردمان  
 بود پس این جانب است شده که بشخص مجبور مطلق است باید دانست که جمیع کارها  
 که اسباب ظاهر بهر شئی تعلق و اور **مثلاً** ربودن کی به او و سوختن با آتش و هایت  
 بانبیاء و ضلالت بابلین همه از صرف قدرت اوست بوقت وقوع آن و  
 عادات او برین گونه جاری است که هرگاه اسبابی ظاهر به امری تعلق کرد و آن  
 او تعالی صرف قدرت خود در وجود آن فعل کند **مثلاً** و فتنه لغو و هوامی شود و انقا  
 هر موج و یک را بعد از خاصه خود جنبش میدهد نه همچو جنبش است بنفسه از تائید  
 و عقیده جمیع اهل سنه و جماعت همین است **سوال** با این همه مجبوریهای مخلوق ترجم  
 ابله و مواخذة با اهل عصیان در دنیا یا آخرت آیا ظلم است از او تعالی یا **جواب**  
 ظلم عبارت است از تصرف بر ملکیت غیر تصرف ملکیت خود را ظلم نگویند چنانچه  
 شخصی اگر در ملک خود تصرف کرد بدین هیچ که بارج خود را سوخت خواه درید و یا از باغ  
 خود بعضی درخت برید و سوخت و بعضی را بر درختش کرد و آب داد و همچنین اگر درخت  
 شیرین را برید و بر درختش را بر درختش کرد و از او ظلم نیست و نیز بلبلان باندک  
 نسبت ملکیت که با غلام دارد یعنی نه خلق کرد و او را نه بپوش داد و نه تندرست  
 او را و نه بپوشید و نه بپوشید و نه بپوشید و نه بپوشید و نه بپوشید و نه بپوشید  
**مثلاً** اگر هزار روپیه غلام را داد و مولای روپیه آنرا از غلام ستمیده در تصرف آورد  
 یا بدگری داد و خواه بدربار انداخت شتر عا و غلام بر او نیست پس هرگاه باندک  
 نسبت ملکیت عبد بعد از این قدر تجاوز است خالق که مالک مطلق است با نسبت ظلم  
 در ملکیت خود چگونه روا باشد و ازین قبیل است که اگر شخصی حیوانی را که بتعلیم تعلیم امری  
 کند گفت که برو از اینجا حال اینکه دست و پا پس را محکم کرده بود و او رفتن نتوانست  
 و مالک از آن باعث او را بکج کرد و شتر عا بر او ظلم نیست زیرا که حیوان مذکور در دج